پاورقی(۳۵)

مبارزه برای ملت و وطن

ترجمه: سامان سلیمانی

مام جلال به احساس و محبت پدرش نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «پدرم همیشه مرا نصیحت می‌کرد که بعد از اتمام دروس دانشگاه فعالیت سیاسی انجام دهم، نه در زمان تحصیلات دبیرستان، اما از طرفی دیگر نیز به اینکه پسرش مبارزی است که در راه مساله ملی مبارزه می‌کند افتخار می‌کرد، این در حالی بود که مادرم مصر بود که روحانی شوم و در تکیه کار کنم، اما چیزی را انتخاب کردم که می‌خواستم و به آن اعتقاد و باور داشتم و آن نیز فعالیت سیاسی و مبارزه در راه مساله ملت و وطنم بود.»

مقاطع مهم تاریخ زندگی این مرد، یکی پس از دیگری می‌آیند و سرنوشت؛ این فرصت را فراهم کرد که منشأ اتفاقات یکی پس از دیگری شود که می‌توانند رهبری را به شیوه‌ای مدرن تربیت کند و به تجارب و توانایی‌های فراوان خود اتکا کند، برای همین در فوریه۱۹۵۱ طالبانی در کنگره دوم پارت‌دموکرات کرد شرکت کرد که مخفیانه در منزل علی حمدی (که بعدها کشته شد) در بغداد تشکیل شد، در این کنگره مقرر شد که نام حزب از پارت‌دموکرات کرد به پارت‌دموکرات کردستان تغییر یابد و اساسنامه و برنامه حزب لغو و اساسنامه جدیدی نوشته شود. طالبانی می‌گوید: «تفکر چپ در کنار تفکر دموکرات ملی وجود داشت، این سوال را مطرح کردیم که چه نوع سیستمی می‌خواهیم؟ دموکرات پارلمانی یا دموکرات ملی؟ دموکرات ملی را انتخاب کردیم، چون دموکرات ملی در چین و اروپای شرقی حاکم بود.

اساسنامه و برنامه حزب نیز بر حق تعیین سرنوشت ملت کرد به شیوه اتحادی خودخواسته در چارچوب عراق تاکید کرده بود، این نیز از ابتدا در اساسنامه وجود داشت که عراق دارای سیستم فدرالی باشد و حکومتی کردی موازی حکومت فدرال وجود داشته باشد، در سایه عراقی جمهوری، دموکرات و ملی، کردستان نیز اقلیمی باشد در چارچوب این عراق، همچنین شعار دموکراسی برای عراق و خودمختاری برای کرد به شعار دموکراتیک ملی برای عراق و فدرال برای کرد تغییر یافت، همه اینها نیز در اساسنامه جدید حزب گنجانده شد.»

این اولین تلاش برای نوسازی یا اصلاح بود، اگر این توصیف در تاریخ احزاب کردی صحت داشته باشد، چون اسم حزب عوض شد و اساسنامه جدیدی نوشته شد. بر اساس گفته‌های مام جلال، ابراهیم احمد این تفکرات جدید را به داخل حزب انتقال داد زمانی که همراه با جلیل هوشیار در زندان بودند، همین که برای اولین‌بار اسم ابراهیم احمد به زبان مام جلال می‌آید، احساس می‌کنیم این مرد بسیار مورد محبت ایشان است که بعدها از نظر فکری و در زندگی شخصی با او ارتباط گرفت؛ از نظر فکری در سال ۱۹۶۴ و جدایی مشهورشان از ملامصطفی بارزانی و از نظر زندگی ارتباط طالبانی با خانواده ابراهیم احمد از طریق ازدواج با هیرو خانم دخترش. مام جلال تغییرات اتفاق‌افتاده در آن کنگره را توصیف می‌کند و می‌گوید: «ابراهیم احمد به‌عنوان یکی از شخصیت‌های مارکسیست شناخته می‌شد، زبان انگلیسی بلد بود و بسیاری از کتب مارکس را در زندان خوانده بود، زمانی نیز که از زندان آزاد شد خواستار تشکیل کنگره دوم حزب شد، خودش انتخاب نشد، بلکه با دعوت آمد و جلیل هوشیار نیز همراهش بود، اختلافی در درون حزب پیش آمده بود که دلیل آن تصمیم عدم انتخاب رهبران سابق حزب برای رهبری جدید بود به این دلیل که کمیته مرکزی اول حزب در اجرای وظایف خود موفق نشده بود و بسیاری از اعضا از فعالیت سیاسی دست کشیده بودند و فقط سه، چهارنفر از آنها مانده بودند، به این‌ترتیب تصمیم گرفته شد پنج‌عضو جدید رهبری انتخاب شوند که نوشتن اساسنامه جدید حزب را انجام دهند و بعد از آن کنگره گسترده‌تر حزب را تشکیل دهند و در آن تغییر اسم حزب و اساسنامه جدید تصویب شود.»

اینجاست که مهم‌ترین مقطع آن زمان تاریخ زندگی سیاسی جلال طالبانی اتفاق می‌افتد، راجع‌به این مرحله نیز سخن می‌گوید و می‌گویند: «یکی از پنج‌نفری بودم که برای رهبری حزب انتخاب شدم، اما عذرخواهی کردم که به علت کمی سن این مسوولیت را نمی‌توانم قبول کنم، جایم را به استاد جلیل هوشیار دادم که در رای‌گیری بعد از من قرار گرفته بود، گفتم استاد هوشیار وکیل هستند و تازه از زندان آزاد شده‌اند و در فعالیت سیاسی دارای تجربه هستند، چنین نیز شد و هوشیار به جای من گذاشته شد، ابراهیم احمد نیز به‌عنوان دبیرکل حزب و جلیل هوشیار و نوری شاویس و بکر اسماعیل و محمد امین معروف به‌عنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند و کمیته مرکزی تصمیم به نوشتن اساسنامه جدید گرفت که در کنگره حزب که در ژانویه ۱۹۵۳ مخفیانه در کرکوک برگزار شد تصویب شده بود، اساسنامه دارای ماهیتی مارکسیستی بود، نابودی رژیم پادشاهی و تاسیس نظامی دموکراتیک ملی در عراق تصویب شد که کرد در چارچوب عراق دارای حق فدرالی باشد، همچنین اسم حزب به پارت‌دموکرات کردستان تغییر یافت.»

ادامه دارد...

عکس: AP

افراطی «هندو» بر کرسی قدرت تکیه زد

سونامی سیاسی در کشور ۷۲ ملت

قدرت در هند دست‌به‌دست شد. حالا «نارندرا مودی» ملی‌گرای افراطی هندو، باید بر «یک‌میلیاردو۲۵۰میلیون» هندی با گرایشات قومی و مذهبی متفاوت رهبری کند. حزب ملی‌گرای «بهاراتیا جاناتا»ی هند پس از پیروزی قاطع «نارندرا مودی» در انتخابات پارلمانی این کشور اعلام کرد فصل جدیدی در راه است. حزب بهاراتیا اولین حزبی است که پس از نزدیک به سه‌دهه توانسته اکثریت قاطع پارلمان را کسب کند و حالا بدون نیاز به ائتلاف می‌تواند دولت تشکیل دهد. به گزارش بی‌بی‌سی، بنا بر تازه‌ترین نتایج اعلام‌شده از سوی کمیسیون انتخابات هند، حزب بهاراتیا جاناتا با کسب ۲۷۴کرسی از ۵۴۳ کرسی مجلس به‌عنوان برنده و حزب کنگره با ۴۴کرسی به‌عنوان بازنده این انتخابات اعلام شدند. مودی که از حزبی با گرایش‌های افراطی هندومذهب برخاسته، با شعار احیای اقتصاد هند به پیروزی رسیده است. مودی ۶۳ساله پس از پیروزی در صفحه توییتر خود نوشت: «هند پیروز شد. روزهای خوب در راهند.» نخست‌وزیر آتی هند گفت: تب و تاب انتخابات به پایان رسید و مردم حکم خود را دادند و آن این بود که آنها از ما می‌خواهند که هند را به جلو ببریم تا آرزوهای ۱/۲میلیاردنفر را برآورده سازیم. هیچ دشمنی در دموکراسی وجود ندارد و تنها اپوزیسیون وجود دارد. من عشق شما را می‌گیرم و پیش از آنکه بازگردم، آن را به پیشرفت تبدیل می‌کنم.» او در ادامه صحبت‌هایش گفت برای اداره دولت وظیفه دارد که همه را با خود همراه کند و می‌خواهد از حمایت تمامی هندی‌ها برخوردار شود تا بتواند کشور را رو به جلو ببرد.

با این حال بسیاری با توجه به پیشینه سیاه او، نگران درگیری‌های فرقه‌ای در این کشور متکثر هستند؛ انتخاب او بسیاری از هندی‌ها، مخصوصا مسلمانان را نگران آینده کرده است. مودی که از سال ۲۰۰۱ سر وزیر ایالت «گجرات» بوده، متهم است در سال ۲۰۰۲ مانع درگیری‌های فرقه‌ای نشده است؛ هرچند نارندرا مودی خود دخالت در تشویق به کشتار مسلمانان را انکار می‌کند و تاکنون تحت تعقیب قرار نگرفته اما دستیار او پس از این ماجرا به ۲۸سال حبس محکوم شد. در آن سال دست‌کم هزارنفر در درگیری‌های گجرات کشته شدند که بیشترشان مسلمان بودند. بعد از شورش‌های هندوهای افراطی، آمریکا از صدور ویزا برای نارندرا مودی خودداری کرد و دولت بریتانیا هم روابط با او را قطع کرد؛ اما او اکنون به صحنه اصلی سیاست بازگشته است. بیشتر جمعیت یک‌میلیاردو۲۵۰نفری هند را که اکثر فقرا تشکیل می‌دهند و بیش از نیمی از آنها زیر ۲۵سال هستند، هیچ‌گاه شاهد چنین پیروزی انتخاباتی‌ای نبوده‌اند و در دوران اختلاف میان سیاستگذاران در دولت‌های ائتلافی رشد کرده‌اند.

در همین حال وقتی مشخص شد که نارندرا مودی نامزد حزب خود برای نخست‌وزیری خواهد بود، حزب «جاناتا دال یونایتد» که متحد کلیدی حزب بهاراتیا جاناتا در ائتلاف دموکراتیک ملی هند است، از ائتلاف با آن حزب خارج شد چرا که برخی سیاست‌های مودی بارها از سوی دیگران در فضای متکثر هند، افراطی و تفرقه‌انگیز اعلام شده بود. اما او در دوره انتخابات در شهرهای مختلف هند ۴۴۰ سخنرانی کرد و در اغلب این جلسات سخنرانی چای در لیوان‌های دارای عکس او به حضار داده می‌شد و ماسک‌هایی با صورت او توزیع می‌شد. طرفداران نارندرا مودی در حزب بهاراتیا جاناتا تبلیغ برای نامزدی او را از مدت‌ها پیش آغاز کردند چون در داخل حزب نیز مخالفت‌های جدی در مورد او وجود داشته است. آنان مانند بسیاری دیگر از هندی‌ها دیگر نمی‌توانند نارندرا مودی را به‌دلیل نقشش در شورش‌های گجرات به‌عنوان نخست‌وزیر یک کشور متکثر بپذیرند. از همین‌رو تنها افرادی که در طول مدت‌زمانی که نارندرا مودی سر وزیر ایالت گجرات بوده، منافعی داشته‌اند اکنون از نخست‌وزیر شدن او استقبال می‌کنند و برای قربانیان، پیروزی او نشانه‌ای دیگر از بی‌عدالتی در نظام سیاسی هند است.

اگر چه شورش‌ها و اتهام‌ها علیه مودی در سال ۲۰۰۲ سبب شده بود که آمریکا از صدور روادید برای او خودداری کند، اما«باراک اوباما» رییس‌جمهوری آمریکا، پیروزی مودی را تبریک گفت و از او برای سفر به آمریکا دعوت کرد. پیروزی ملی‌گرایان هند همچنین با استقبال گسترده و پیام‌های تبریک دیگر سران جهان نیز روبه‌رو شد. همچنین رهبران احزاب داخلی هند نیز با استقبال از نتایج انتخابات، به مودی تبریک گفتند. «سونیا گاندی» رهبر حزب حاکم کنونی«کنگره»، گفت: ما می‌دانیم که پیروزی و شکست هر دو بخشی از دموکراسی است. ما به تصمیم مردم احترام می‌گذاریم. من مسوولیت شکست حزبم را می‌پذیرم. نخست‌وزیر پاکستان هم در تماس تلفنی با پیروز انتخابات پارلمانی هند، از گسترش مناسبات حسنه اسلام‌آباد – دهلی‌نو استقبال کرد. «نواز شریف» با دعوت از نارندرا مودی برای سفر به اسلام‌آباد، این «پیروزی چشمگیر» را به او تبریک گفت. دولت اسلام‌آباد همچنین پیشنهاد داد تا «روند مذاکرات ترکیبی» را با دهلی‌نو از سر بگیرد تا مسایل حل‌نشده میان دو کشور را حل‌وفصل کند.

تا ۷میلیون‌دلار دارایی اوباما و همسرش

باراک اوباما، رییس‌جمهوری آمریکا و همسرش دو تا هفت‌میلیون‌دلار دارایی دارند. اوباما، تنها یک مورد بدهکاری دارد و آن هم وام منزلشان است. جو بایدن، معاون او نیز اظهارنامه مالی سالانه خود را به ارزش تقریبی ۹۴۰هزاردلار شامل املاک مشترک اجاره‌ای با همسرش ارایه کرده است. (ایسنا)

ریاست «آلبرایت» بر تیم ناظران آمریکایی

«مادلین آلبرایت»وزیر خارجه پیشین آمریکا ریاست تیم ناظران این کشور در انتخابات اوکراین را برعهده خواهد داشت. تیم ناظران آمریکایی در جریان انتخابات اوکراین که برای ۲۵ماه می برنامه‌ریزی شده است، بر رعایت موارد استاندارد در حوزه‌های رای‌گیری نظارت خواهد داشت. (صدای‌روسیه)

محاکمه رییس‌جمهور برکنار شده

محمد مرسی، رییس‌جمهور برکنارشده مصر با یک فروند بالگرد به مقر آکادمی پلیس انتقال داده شده تا در این جلسه به‌همراه ۳۵ متهم دیگر از رهبران و اعضای اخوان‌المسلمین به اتهام «جاسوسی بزرگ» محاکمه شوند. این جلسه به‌صورت کاملا محرمانه برگزار می‌شود. (الیوم‌السابع)

بریده اخبار

● **لیبی:** پس از آنکه درگیری مسلحانه میان نیروهای شبه‌نظامی موسوم به «ارتش ملی لیبی» با گروه اسلام‌گرای «انصار الشریعه» در بنغازی دست‌کم ۳۶کشته برجای گذاشت، مقام‌های لیبیایی اعلام کردند که فرودگاه بنغازی تا اطلاع ثانوی تعطیل است. از سوی دیگر الجزایر به‌دلیل وجود «خطرهای واقعی» که دیپلمات‌ها و کارمندان کنسولگری این کشور را در لیبی تهدید می‌کند، سفارتخانه و کنسولگری خود را در لیبی به صورت موقت بست. (رویترز)

● **سوریه:** ارتش سوریه پس از درگیری سنگین با افراد مسلح تروریستی در تپه «الجابیه» در حومه درعا، این منطقه را به کنترل کامل خود درآورد. همزمان با این پیشروی‌ها، شورای امنیت سازمان ملل قرار است در ۲۲می در خصوص پرونده سوریه و ارجاع آن به دادگاه جرایم بین‌الملل رای‌گیری کند. از سوی دیگر سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس اعلام کرد که دولت انگلیس تصمیم گرفته است سطح نمایندگی دفتر ائتلاف مخالفان سوریه را بالا برده و آن را به درجه‌یک هیات برساند. (ایسنا)

● **عراق:** یک رسانه عراقی از اعلام نتایج غیررسمی انتخابات پارلمانی اخیر خبر داد که بر اساس آن، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی، ۹۷ کرسی را پس از شمارش ۹۱درصد آرای عمومی و خاص به دست آورده است و پس از آن، ائتلاف «المواطن» به رهبری«سیدعمار حکیم» با ۳۳ کرسی و ائتلاف «الاحرار» به رهبری جریان «صدر» با ۲۸ کرسی در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. (الوطن)

● **ترکیه:** درحالی که اعتراضات در ترکیه در واکنش به حادثه معدن سوما گسترده‌تر شده است، «احمد داوود‌اوغلو» وزیر خارجه ترکیه از نخست‌وزیر ترکیه دفاع کرد و گفت: «او تمام این آلام و دردها را تحمل می‌کند.» «عبدالله گل» رییس‌جمهوری ترکیه هم در جریان بازدید از معدن سوما و دیدار با خانواده‌های قربانیان، گفت: «این فاجعه برای تمام مردم و ملت ترکیه تاسف‌بار است و من به خانواده قربانیان تسلیت می‌گویم. آنچه که ضرورت دارد انجام می‌شود.» (سی‌ان‌ان)

● **خلیج‌فارس:** «انور رشید» رییس انجمن جوامع مدنی خلیج‌فارس با بیان اینکه حضور ۴۰هزار زندانی سیاسی در کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس در حبس به سر می‌برند، اظهار کرد که بیشتر این افراد در عربستان و سپس در بحرین زندانی هستند. (ایسنا)

● **مصر:** با آغاز انتخابات ریاست‌جمهوری مصر در خارج از این کشور، حامیان اخوان‌المسلمین جمعه‌شب در شهر حوش عیسی واقع در استان البحیره با برگزاری تظاهرات خواستار تحریم این انتخابات شدند که این تظاهرات با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. در استان‌های مختلف این کشور از جمله الجیزه، القلیوبیه، الاسکندریه، الدقهلیه، الغربیه، دمیاط و المنیا تظاهرات مشابهی گزارش شده است. (الیوم السابع)

نگاه درون

نشانه‌های یک پیروزی بزرگ در ذات افول یک سیستم

اردشیر زارعی‌قنواتی

ماراتن انتخابات پارلمانی هند با بیشترین میزان مشارکت ۶۶٫۳۸درصدی در تاریخ این کشور، با پیروزی ائتلاف دموکراتیک ملی به رهبری حزب ملی‌گرای هندوی «بهاراتیا جاناتا» به پایان رسید. شکست سخت و تاریخی حزب کنگره در این انتخابات بسیار بیش از پیش‌بینی‌های قبلی بوده و به نظر می‌رسد در این انتخابات یک سونامی سیاسی شکل گرفته است. دلایل پیروزی ملی‌گرایان هندو و شکست حزب کنگره بسیار فراتر از تغییرات متعارف سیاسی در جریان یک انتخابات آزاد و جابه‌جایی قدرت در یک ساختار دموکراتیک بوده است و در آینده زوایای متعدد آن به‌تدریج روشن‌تر خواهد شد. دلایلی که تاکنون برای کسب این نتیجه دور از انتظار برشمرده می‌شود به رکود اقتصادی در دوسال گذشته، فساد اقتصادی در حزب حاکم کنگره، نقش کاریزماتیک «نارندرا مودی» رهبر ناسیونالیست حزب بهاراتیا جاناتا، شیوه پوپولیستی تبلیغات حزب پیروز حول شخصیت مودی جهت قول‌های بزرگ عامه‌پسند و ناکارآمدی حزب کنگره در بسامان‌کردن اوضاع اقتصادی هند بوده است.

انتخابات اخیر هند قبل از آنچه یک روند تغییرات در چارچوب یک جامعه دموکراتیک به حساب آید، می‌تواند به‌عنوان یک افول در مسیر حرکتی قدرت نوظهوری تلقی شود که نتوانسته است رشد اقتصادی مطلوب خود را با ارتقای سطح زندگی توده‌های مردم وفق دهد. گسترش شکاف طبقاتی در هند امروز که گفته می‌شود هنوز بیش از نیمی از مردم آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند، نشان‌دهنده کاستی بزرگی است که تناقض رشد اقتصادی را با بهبودی سطح زندگی اکثریت مردم به نمایش می‌گذارد و نوعی واکنش ضدسیستمی را تجربه می‌کند. نباید فراموش کرد که معمار رشد اقتصادی هند همین حزب کنگره بوده و تا همین اواخر این کشور در حال توسعه را به یک اقتصاد نوظهور و بزرگ تبدیل کرده بود که در تحلیل علمی، رکود کنونی فعلی نمی‌تواند خط بطلان بر این کارنامه موفق کشیده و یک سال بحران یا رکود موجب انزجار رای‌دهندگان از این حزب باشد. همچنین کارنامه گذشته و حال حزب پیروز نیز عامل ویژه و منحصربه‌فردی را برای ارتقای حزب بهاراتیا جاناتا و حتی شخصیت کاریزماتیک مودی به چنین مرتبه از اقبال مردمی را نشان نمی‌دهد. این انتخابات را قبل از آنچه در نرم متعارف روندهای انتخاباتی جهت پذیرش یک برنامه موفق‌تر حزبی در مقایسه با حزب دیگر دید باید در چارچوب به بن‌بست‌رسیدن رشد اقتصادی در روند عدم برخورداری اکثریت مردم از مواهب این رشد جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی است که می‌توان این انتخابات را به نوعی یک همه‌پرسی در خصوص ساختار حاکم و «رای نه» به یک سیستم به‌شدت طبقاتی به حساب آورد که امروز حزب کنگره نماینده آن است و فردا حزب پیروز ملی‌گرای بهاراتیا جاناتا در این جایگاه قرار خواهد گرفت. قول‌های تبلیغاتی مودی بیش از آنچه ناشی از یک توانمندی مدیریتی و برنامه منسجم جهت برون‌رفت از بن‌بست فعلی تلقی شود با توجه به ماهیت محافظه‌کار و راستگرای این حزب و نهادینه‌بودن این ساختار طبقاتی هرگز قابل تحقق نخواهد بود. به همین دلیل این پیروزی بزرگ در بطن خود حامل یک تناقض ماهوی است که بعد از یک دوره کوتاه نشئگی پیروزی سیاسی نخست‌وزیر آینده را در مسیر سیلاب مطالبات طبقات فرودست زیر ضربات خردکننده خود قرار می‌دهد.

رکود اقتصادی کنونی هند بیش از آنچه یک موضوع ملی باشد ارتباط مستقیمی با وضعیت اقتصاد جهانی دارد، همانگونه که قدرت‌های نوظهور دیگر چون برزیل، آفریقای‌جنوبی و مکزیک نیز در طول دوسال گذشته به همین سرنوشت دچار شده‌اند و حتی چین به‌عنوان دومین اقتصاد جهان که تقریبا ذات رشد اقتصادی را هماهنگ با ارتقای همه‌جانبه اجتماعی پیوند زده نیز تا حدودی تحت تاثیر خود قرار داده است. در ضمن کارنامه گذشته مودی در منازعات قومی - مذهبی در ایالت گجرات که منجر به قتل بیش از هزار مسلمان در مناقشه بر سر مالکیت «مسجد بابری» شد همچنان نقطه سیاهی در پرونده وی است که تا حدود زیادی موقعیت رهبر ملی او را تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد. اصولا یکی از دلایل پیروزی مودی در این انتخابات دقیقا ناشی از همین تناقض قومی - مذهبی ناشی می‌شود که این بار تحت‌تاثیر تحولات جهانی حول اینگونه منازعات، هندوهای ناسیونالیست را بیش از همیشه پشت‌سر نخست‌وزیر آینده بسیج کرده است. این انتخابات بر خلاف تصور اولیه نشان داد که هند به‌عنوان یک قدرت نوظهور وارد یک چرخه معیوب‌تر از گذشته شده است که نه‌تنها مشکلات کنونی اقتصادی، گسترش شکاف طبقاتی و تنازعات ملی را کاهش نمی‌دهد که حتی می‌تواند تشدیدکننده این روند مخرب در آینده هم باشد. حزب پیروز بهاراتیا جاناتا نیز که به جای ارایه یک برنامه منطقی و قابل تحقق بر اساس تبلیغات پوپولیستی قول‌های بی‌شماری به رای‌دهندگان ناراضی داده است، در فردای حاکمیت زیر تیغ همین مطالبات باید در انتظار زخم‌های کاری از سوی حامیان هیجان‌زده خود باشد.